

نقش احادیث معصومان در معنایابی واژه‌های غریب قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۰

سید محسن موسوی؛ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران
حجت علی نژاد؛ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

چکیده

یکی از منابع مهم در معنایابی و تفسیر واژه‌های غریب و نامأنوس قرآن کریم، احادیث معصومین علیهم السلام است. ایشان، داناترین افراد به معانی قرآن کریم بوده‌اند، لذا احادیث تفسیری آنان از جایگاه استواری برخوردار است و یکی از منابع اصلی تفسیر قرآن کریم به شمار می‌رود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که احادیث شریف در معنایابی و تفسیر واژه‌های غریب قرآن می‌تواند نقش‌های مختلفی از جمله، عبور از معنای ظاهری لفظ، تعیین معنای مراد و مقصود از واژه در قرآن، انتخاب یکی از دو یا چند معنا برای واژه، ایجاد معانی جدید برای واژه و تعیین مصداق و یا مصادیق برای واژه را ایفا کند. این مقاله از نوع تحقیقات بنیادین است که با روش توصیفی تحلیلی به این موضوع پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: معنایابی، حدیث، معصومین، غریب القرآن.

طرح مسأله

مطابق روایات، اهل بیت علیهم السلام آگاه‌ترین افراد به معنایابی و تفسیر واژه‌های غریب قرآن کریم بوده‌اند از جمله، حدیث متواتر ثقلین و احادیث قطعی دیگری مانند این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر که ضمن معرفی امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای گروه مردمان! در قرآن تدبّر کنید. آیات آن را نیک دریابید، به محکّمات آن بنگرید و از متشابه آن پیروی نکنید. به خدا سوگند، نواهی آن را برایتان روشن و تفسیر آن را برای شما آشکار نمی‌کند، مگر آن کسی که من دستش را گرفته، به سوی خود بالا آورده‌ام». (طبرسی، ۱۳۰۴: ۱/۱۴۶؛ حرعاملی، ۱۳۶۷: ۱۹۳/۲۷) و دلایل عقلی فراوانی که اشاره دارد، ائمه علیه السلام به همه معانی وحی نازل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله آگاهی کامل داشتند. (کلینی، ۱۴۱۳: ۲۲۸/۱-۲۲۹) از جمله دلائل قرآنی در حجّیت سخنان اهل بیت علیهم السلام در معنایابی و تفسیر واژه‌های غریب قرآن کریم، می‌توان به آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) و آیات ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹) (خدا و پیامبر و صاحبان امرتان را اطاعت کنید.)، ﴿فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷) (پس اگر نمی‌دانید از اهل ذکر سؤال کنید) اشاره کرد. باید به این نکته نیز توجه داشت که روایات صحابه و تابعین نیز به دلیل آن که قرآن به زبان آنان نازل شده بود و همچنین نزدیکی عصر آنان به عصر نزول وحی، در فهم معنای واژه‌های غریب قرآن راهگشااست و مفسران بزرگی چون شیخ طوسی در تبیان، طبرسی در مجمع البیان و دیگر مفسران قرآن از آن بهره‌ها گرفته‌اند. البته در مقاله پیش رو، به دلیل اهمیت ویژه روایات معصومین علیهم السلام بحث محدود به روایات آن بزرگواران خواهد بود. به نظر می‌رسد، علی‌رغم آثاری که در معرفی و روش‌شناسی تفسیر اهل بیت علیهم السلام انجام گرفته، - از آن جمله می‌توان به کتاب-هایی مانند: روش‌شناسی تفسیر قرآن از علی اکبر بابایی و کتاب روش‌شناسی اهل

بیت علیهم السلام در تفسیر، تاویل و تطبیق آن از سید حسین تقوی و کتاب آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان علیهم السلام از علی اکبر رستمی و کتاب تفسیر و آسیب شناسی قرآن کریم از یدالله چوپانی، اشاره کرد- آن گونه که شایسته منزلت و جایگاه آنان است، تفسیرشان کمتر روش شناسی شده است.

ویژگی تفسیری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، اهتمام به تفسیر واژه‌های غریب و نامانوس و به عبارتی دقیق‌تر، واژه‌های حساس و مهم و عموماً مورد اختلاف مفسران و یا واژه‌هایی که دیگر مفسران در تفسیر آن دچار خطا شده‌اند را شامل می‌شود. احادیث شریف معصومین در معنایابی واژه‌های قرآن نقش- های مختلفی را می‌توانند ایفا کنند. به نظر عده‌ای، هیچ واژه‌ای از قرآن کریم را نمی- توان یافت که مردم عصر نزول به معنای آن کاملاً جاهل بوده باشند و معنای آن در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان و آشکار شده باشد؛ از این رو برای روایات اهل بیت علیهم السلام در تفسیر واژه‌های قرآنی باید در جستجوی نقش‌ها و کارکردهای مهم‌تر و حساس‌تری برآمد و لازم است به کشف نکات دیگری در زمینه معنی شناسی توجه شود. (طیب حسینی، ۱۳۹۲: ۶۷) در این پژوهش برخی از مهم‌ترین نقش‌های احادیث معصومین علیهم السلام در معنایابی و تفسیر واژه‌های غریب قرآن کریم که می‌تواند مورد تامل بیشتر و مطالعه دقیق‌تر قرار گیرد، بررسی و ارزیابی می‌شود.

۱. عبور از معنای ظاهری لفظ

قرآن کریم وحی الهی است که از جانب خداوند متعال بر قلب مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده و با هدف هدایت بشر، معارف والای خود را در قالب الفاظ مادی و محسوس و رایج در میان قوم عرب زمان نزول- جهت فهم آنان- بیان کرده است. بنابراین طبیعی است که بسیاری از کلمات و واژه‌های قرآنی در همان

معنای مادی و حسی و رایج میان مردم به کار نرفته باشد و به صورت مجاز در معنایی نزدیک و مرتبط با آن واژه به کار گرفته شوند. البته شایان گفتن است که بسیاری از کاربردهای مجازی الفاظ در قرآن برای مفسران شناخته شده است؛ اما ممکن است، الفاظی باشند که مفسران به دلیل ناآگاهی از معنای مجازی آنها در آیه مورد نظر، آن لفظ را به معنای شناخته شده و رایج تفسیر کنند. بنابراین با مراجعه به احادیث معصومین علیهم السلام می‌توان معنای مجازی و مقصود آن را کشف کرد و بدین وسیله می‌توان ثابت کرد که معنای رایج، مورد نظر خداوند نبوده است.

مثلاً واژه «عرش» در معنای لغوی خود به معنی تخت پادشاه (ابن فارس، ۱۳۸۷: ماده «عرش»)، یا به معنای شیء مسقف (راغب، ۱۴۰۴: ماده «عرش») است و در قرآن کریم نیز به این دو معنا به کار می‌رود. (یوسف: ۱۰۰؛ حج: ۴۵؛ نمل: ۴۲)؛ اما هیچ یک از این دو معنا با واژه «عرش» در آیه شریفه: ﴿وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾ (هود: ۷) (و عرش او بر آب قرار داشت) متناسب نیست و اکثر مفسران-اهل سنت-نتوانسته-اند معنای درستی از این واژه، مناسب با سیاق آیه به دست آورند. تفسیری که اغلب مفسران زمان تابعین از این واژه به دست داده‌اند، نشان می‌دهد که برداشت آنها از واژه «عرش» معنای حسی و رایج آن، یعنی تخت پادشاه، بوده است. (طبری، ۱۴۲۰: ۴/۱۲-۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۶۵/۴-۲۶۶؛ فخر رازی، بی‌تا: ۳۱۹/۱۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۲۸/۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۰۵/۶)؛ اما در روایتی از امام صادق علیه السلام واژه «عرش» در این آیه به «علم» معنا شده و مقصود از آیه این است که علم خداوند به این تعلق گرفت که همه چیز را از آب خلق کند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳۳۸/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۵۱۸/۱)

هم چنین، صدوق در کتاب *معانی الاخبار* به اسناد خود از محمد بن مسلم نقل کرده است که وی گفت: من از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردم که معنای این کلام خداوند که می‌فرماید: ﴿يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيدِي﴾ (صا: ۷۵)؛ خدا

به شیطان فرمود: ای ابلیس، تو را چه مانع شد که به موجودی (با قدر و شرافت) که من به دو دست (علم و قدرت) خود آفریدم سجده کنی؟)، چیست؟ فرمود: در کلام عرب دست، تنها به معنای جارحه که عضوی از بدن انسان است نیست، بلکه به معنای قوه و نعمت هم آمده است، کما اینکه در قرآن هم به معنی قوه استعمال شده است. مانند این آیه که درباره قوت داوود علیه السلام می‌فرماید: ﴿وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْاَيْدِ﴾ (صاد: ۱۷) (یاد آر بنده ما داود را که مردی نیرومند بود) و درباره بنای آسمان می‌فرماید: ﴿وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِاَيْدٍ وَ اِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (ذاریات: ۴۷) (وما بنای آسمان را به قوت بیکران خود ساختیم و به تحقیق، توانا و قادر بر انفاقیم و یا به تحقیق، فراخ کننده آسمانیم)؛ آن گاه در معنای ﴿وَ اَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ﴾ (مجادله: ۲۲) (و به روحی از خودش تاییدشان کرده)، فرمود: یعنی آنها را به روحی از خود تقویت نمود و وقتی گفته می‌شود برای فلانی نزد من یدی است بیضاء، مقصود این است که فلانی نعمت فراوانی به من داده و حق بزرگی بر من دارد. (شیخ صدوق، ۱۴۰۳: ۸/ ۱۵-۱۶)

هم چنین در آیه شریفه: ﴿قُلْ اَرَاَيْتُمْ اِنْ اَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمِنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾ (ملک: ۳۰) (بگو اگر آبی که شما به وسیله آن زنده‌اید در طبقات زمین فرو برود چه کسی است که آبی گوارا برایتان بیاورد؟)؛ درباره واژه «مَاؤُكُمْ»، در کتاب «اکمال الدین» صدوق، از امام باقر علیه السلام روایت شده که ایشان از معنای ظاهری لفظ عدول کرده‌اند و فرمودند: منظور از این واژه امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند که هرگاه امام شما غائب گردد و ندانید کجاست، چه کسی جز خداوند آن امام را بر شما ظاهر می‌گرداند تا شما را از آسمان‌ها و زمین خبر دهد و حلال و حرام شریعت را کاملا بیان دارد؟ (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۲۵/۱)

در آیه شریفه: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَ
 الْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾ (انفال: ۴۱) (و بدانید آنچه را که سود می‌برید برای
 خدا است پنج یک آن و برای رسول و خویشاوند او و یتیمان و مسکینان و در راه
 ماندگان) است که معنای آیه شریفه عام است و شامل تمام غنائم جنگی می‌شود؛ اما
 در تفاسیر اهل بیت علیهم السلام، از معنای ظاهری لفظ ﴿غَنِمْتُمْ﴾، عبور شده و چنین
 آمده است که این آیه تام و شامل منافی می‌شود که انسان در زندگی از کار خود در
 طول سال می‌برد، اگر بیش از مصارف سال خود و افراد تحت تکفلش باشد، به آن
 خمس تعلق می‌گیرد. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۵۰۰/۹) این برداشت از آیه از طریق ائمه
 علیهم السلام وارد شده است؛ زیرا غنیمت را در آیه شریفه به معنای لغوی آن لحاظ
 کرده‌اند که هر سود و منفعتی را در بر می‌گیرد. (همان، ۵۰۱؛ طبرسی، ۱۴۱۵:
 ۵۴۴/۱)

۲. تعیین معنای مقصود و مراد اصلی از واژه غریب در قرآن

واژه‌های غریب به کار رفته در قرآن کریم ممکن است دارای معانی متعددی اعم
 از حقیقی یا مجازی باشند، که با توجه به سیاق آیه نتوان آن را تشخیص داد. تعیین
 معنای مقصود و مراد اصلی از یک واژه در یک آیه از قرآن گاهی چنان دشوار است
 که بدون راهنمایی و بیان امام معصوم علیهم السلام، مفسر به خطا می‌افتد و به مراد
 واقعی آیه پی نمی‌برد. نمونه روشن و معروف آن واژه «السائحون» در آیه شریفه:
 ﴿التَّائِبُونَ الْعَبْدُونَ الْحَمِيدُونَ السَّائِحُونَ الرَّكْعُونَ السَّاجِدُونَ﴾ (توبه: ۱۱۲) (توبه کنندگان و
 عبادت‌کاران و سپاس‌گویان و سیاحت‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجده‌آوران)
 است. «السائحون» از ماده «سیح» در فرهنگ عربی به معنای سیر و سیاحت در زمین
 است و «ساح فی الأرض» یعنی به سیاحت و گردش در زمین پرداخت. (ابن فارس،
 ۱۳۸۷: ماده «سیح»؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۶/ماده «سیح») در قرآن نیز به همین معنا آمده

است: ﴿فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ﴾ (توبه: ۲) (در زمین گردش و کنید)؛ اما این معنا با سیاق آیه مورد نظر سازگار نیست. یعنی هیچ رابطه عقلانی و معرفتی میان توبه و حمد و رکوع و سجود با سیر و سیاحت دیده نمی‌شود. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله آن واژه را به «روزه داران» معنا و تفسیر کرده‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۱۴/۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۱۳/۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲۷۲/۲-۲۷۴؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ۳۳۵/۲) نمونه‌ای دیگر از همین موارد، در روایتی درباره واژه «نعیم» در آیه: ﴿ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (تکواثر: ۸) (سپس در آن روز از نعیم خدا بازخواست خواهید شد)، مردی که می‌پنداشت خدای متعال از غذای لذیذی که او نزد امام صادق علیه السلام می‌خورد بازخواست خواهد شد، امام صادق علیه السلام از واژه «نعیم» به نعمت محمد و آل محمد علیه السلام تفسیر می‌کند و می‌فرماید: خداوند بزرگ‌تر و کریم‌تر از آن است که طعام پاکیزه‌ای به شما ببخشد و از آن لذت ببرید، سپس درقیامت نسبت به آن از شما بازخواست کند، اما شما نسبت به نعمت محمد و آل محمد بازخواست خواهید شد. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۷۴۶/۵؛ قمی، ۱۳۶۷: ۴۴۰/۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۸۱۳/۱۰). ممکن است به نظر برسد که امام علیه السلام صرفاً مصداقی از مصادیق آن واژه را بیان کرده‌اند؛ ولی بنا به گفته برخی، در واقع امام به نکته‌ای بسیار مهم ناظر به معنا و مفهوم آیه شریفه توجه داده‌اند که اغلب از دید لغت شناسان مغفول مانده است و آن این که مقصود از «نعیم» نعمت‌های حقیقی و بزرگ و معنوی (غیرمادی) است، برخلاف نعمت که درمعنای نعمت‌های مادی و این جهانی کاربرد دارد. (طیب حسینی، ۱۳۹۲: ۷۰)

و هم چنین در تفسیر قمی ذیل آیه شریفه: ﴿لَاكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ﴾ (مائده: ۶۶) (البته به هر گونه نعمت از بالا و پایین برخوردار می‌شدند)، در معنای واژه‌های «فوق» و «تحت»، امام صادق علیه السلام فرموده که در این آیه روی سخن با قوم یهود و نصارا است و معنایش این است که از بالا به وسیله باران و از پایین به

وسیله رویش گیاهان و مواد غذایی متمتع می‌شوند. (قمی، ۱۳۶۷: ۱۷۱/۱) نمونه‌های فراوانی از این دست تفاسیر را می‌توان در میان روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام جستجو کرد.

۳. انتخاب یک معنا از معانی واژه

یکی دیگر از کارکردهای احادیث معصومین علیهم السلام در معناییابی و تفسیر واژه-های غریب قرآن کریم، انتخاب یکی از دو یا چند معنای واژه است. این نقش بیشتر به مواردی اختصاص دارد که یک واژه دارای چند معنای مختلف باشد و سیاق آیات نیز با همه آن معانی سازگار باشد. به عنوان مثال درباره ریشه و معنای واژه «اسم» در آیه شریفه: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ دانشمندان و مفسران اختلاف نظر دارند. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۷۱/۱؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۲۱۹/۷؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۱۸/۷) نحویان بصره واژه «اسم» را مشتق از «سمو» به معنای علو و نحویان کوفه این واژه را مشتق از «وسم» به معنای علامت و نشانه می‌دانند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵/۱؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۲۷/۱)

در این چنین مواردی یکی از نقش‌های حدیث در حوزه معناییابی و تفسیر واژگان غریب قرآن کریم، آن است که یکی از دو معنای واژه را بر دیگری ترجیح دهد. چنان که درباره واژه «اسم» روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده که در آن «اسم» به معنای علامت و نشانه تفسیر شده است. روایت این چنین است که علی بن فضال از پدرش نقل می‌کند که از امام رضا علیه السلام درباره معنای ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ پرسیدم، حضرت فرمودند: کسی که ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ می‌گوید معنایش این است که خود را با یکی از نشانه‌های الهی - «سِمَةٌ مِنْ سِمَاتِ اللَّهِ» یعنی عبادت-نشانه گذاری می‌کند. پرسیدم «سِمَةٌ» یعنی چه؟ فرمودند: یعنی نشانه. (صدوق، ۱۴۰۳: ۳)

نمونه دیگری از این موارد، واژه «قُرء» جمع «قُرء» در آیه شریفه: ﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ (بقره: ۲۲۸) (و زنهایی که طلاق داده شدند از شوهر نمودن خودداری کنند تا سه پاکی بر آنان بگذرد)، است؛ اهل لغت واژه «قُرء» را دراصل به معنای جمع و اجتماع دانسته‌اند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۱۸/۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۶۶۸/۱) اما در اطلاق این کلمه در مورد زن، معانی مختلفی نقل شده است. ابن فارس می‌گوید: «أَقْرَاتِ الْمَرْأَةِ» را در زمان طهر و پاکی زن بر وی اطلاق می‌کنند و «قُرء» به معنای وقت است که گاه بر وقت طهر زن و گاه بر وقت حیض زن اطلاق می‌شود. (ابن فارس، ۱۳۸۷: ماده «قُرء»); اما راغب اصفهانی می‌گوید: «قَرَاتِ الْمَرْأَةِ» یعنی حیض شدن (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ماده «قُرء») این اختلاف در معنای «قُرء» در اکثر کتاب‌های لغت و تفاسیر دیده می‌شود و از آن جایی که این دو معنا اثری فقهی در آیه شریفه دارد، هر دو معنا با هم نمی‌تواند صحیح باشد، از این رو مفسران هر یک مطابق مذهب فقهی خود این واژه را تفسیر کرده‌اند که هیچ یک قابل اطمینان و اعتماد بخش نیست. در روایات اهل بیت علیهم السلام، همان معنای اصلی که ابن فارس ذکر کرده، تایید شده و «قُرء» به جمع شده خون در میان دو حیض یعنی همان زمان طهر و پاکی زن تفسیر شده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۷۱/۱؛ ابن عربی، بی‌تا: ۱۸۳/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱۳/۳) ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: عده زنی که حائض می‌شود و حیض او مرتب باشد، سه قرء است و «قُرء»، جمع شدن خون در فاصله میان دو حیض است. (کلینی، ۱۴۱۳: ۹۱/۶؛ طوسی، ۱۳۳۵: ۱۱۷/۸)

۱.۴ ایجاد معنی جدید برای واژه

یکی دیگر از نقش‌های احادیث تفسیری پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در حوزه معنایی و تفسیر واژه‌های غریب قرآن کریم، ایجاد و توسعه دادن در معنای واژه‌های

غریب است. گاه ممکن است واژه به کار رفته در قرآن، دارای معنای شناخته شده‌ای در فرهنگ و لغت عرب باشد که در یک آیه نیز به همان معنا به کار رفته است؛ اما در حدیث برای آن، معنای دیگری که با معنای اصلی آن واژه نیز در ارتباط است بیان می‌شود. بدین ترتیب حدیث توسعه‌ای در معنای آن واژه و در نتیجه توسعه‌ای در معنای آیه ایجاد می‌کند. برای مثال واژه «انْحَر» در آیه شریفه: ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَر﴾ (کوثر: ۲) (پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن)، فعل امر از «نَحَر» است و در لغت به سینه و نیز به گودی زیر گلوی انسان یا حیوان، «نَحَر» می‌گویند. (ابن فارس، ۱۳۸۷: ماده «نحر»؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۶۸/۱۴، ماده «نحر»). «نَحَرَ الْبَعِيرَ»، یعنی نیزه را در نحر شتر فروکرد. (زمخشری، ۱۳۸۵: ۶۲۲/ماده «نحر») که مقصود از آن قربانی کردن شتر است. به این ترتیب معنای «وَأَنْحَر» در این آیه شریفه، امر به قربانی کردن شتر است. (طبری، ۱۴۲۰: ۳/۳۱۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۰/۸۳۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۱/۲۱؛ طوسی، بی‌تا: ۱۰/۴۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶/۳۱۱-۳۱۲)؛ اما در احادیث متعددی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده است که واژه «وَأَنْحَر» در آیه به معنای بالابردن دست‌ها تا نزدیکی صورت به هنگام تکبیره الاحرام در نماز است. مثلاً جمیل از امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه سوال می‌کند، آن حضرت نیز با بالا آوردن دو دست خود تا مقابل صورتشان، درحالی که رو به قبله بود، واژه «وَأَنْحَر» را برای او معنا کرد. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۰/۸۳۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱۰/۴۴۰) در روایت دیگری که حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده، به بالا آوردن دست‌ها تا نزدیکی صورت، برای تکبیره الاحرام در نماز سفارش شده است. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۰/۸۳۷) در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام، «وَأَنْحَر» به اعتدال در ایستادن به هنگام نماز و پشت و سینه را راست و رو به قبله نگه داشتن معنا و تفسیر شده است. (کلینی، ۱۴۱۳: ۳/۳۳۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۵/۴۸۹)، معنای

مورد اشاره این روایت به عنوان معنای سوم برای واژه «وَأَنحَرَ» در این آیه تلقی می‌شود که معنایی کاملا دینی و اسلامی است. این معنای مورد اشاره حدیث در منابع کهن لغت و از زبان بعضی لغویان هم چون اعرابی و فراء نیز نقل شده. ابن الاعرابی می‌گوید: «نَحْرَه» یعنی این که شخص به هنگام نماز راست بایستد. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۶۹/۱۴، واژه «نحر») و فراء می‌گوید: یعنی این که نحر و سینه خود را رو به قبله بدارد. (همان)

همچنین تفسیر واژه «قَتَلَ» و «أَحْيَا» در آیه شریفه: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا ... وَ مَنْ أَحْيَاهَا﴾ (مائده: ۳۲)، به گمراه کردن یا هدایت افراد (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴۳۸/۲-۴۴۰)، تفسیر شده است. در تفسیر المیزان نیز روایتی از کافی از امام صادق علیه السلام آمده که ایشان فرموده‌اند: تفسیر آیه شریفه به هدایت و ضلالت، بزرگ‌ترین تاویل برای این آیه است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲۲/۵) و همچنین تعمیم و توسعه معنایی واژه «طعام» در آیه شریفه: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ﴾ (عبس: ۲۴) (پس انسان باید به غذای خویش بنگرد)، به علم که غذای روح است تفسیر شده است؛ امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: منظور از طعام علمی است که از دیگران فرا می‌گیرید. (همو: ۲۱۴/۸-۲۱۵)

۵. تعیین مصداق یا مصادیق برای واژه

یکی دیگر از کاربردهای احادیث معصومین علیهم السلام در حوزه معنایی و تفسیر واژگان غریب قرآن کریم، تعیین مصداق و یا مصادیق برای واژگان غریب قرآن است. به عنوان مثال در تفسیر آیه شریفه: ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ﴾ (فاتحه الكتاب: ۷) (نه آنان که بر ایشان غضب کردی و نه گمراهان)، از رسول خدا روایت شده است که فرمودند: منظور از ﴿الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾، قوم یهود و مراد از ﴿الضَّالِّينَ﴾، مسیحیان‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۷: ۱۲۳۷/۲-۱۲۳۸) هم چنین از ابن عباس روایت شده

که وقتی آیه شریفه: ﴿ قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ﴾ (شوری: ۲۳) (بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی‌کنم به جز مودت نسبت به اقرباء)، نازل شد گفتند: ای رسول خدا، این خویشاوندانی که مودت آنان بر ما واجب است، کیستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «علی، فاطمه و دو پسر آنان» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۸۶/۶)

و یا در آیه شریفه: ﴿ وَ مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَّا تَعْلَمُونَ ﴾ (انبیاء: ۷) (ما پیش از تو مردانی نفرستاده‌ایم مگر اینکه به آنها وحی می‌کرده‌ایم اگر خودتان نمی‌دانید از اهل کتاب پرسید)؛ در تعیین مصداق (أَهْلَ الذِّكْرِ)؛ در مجمع البیان آمده که در روایات به نقل از امیرالمومنین علیه السلام و امام باقر علیه السلام آمده است که اهل ذکر مائیم. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۶۴/۷)

هم چنین در آیه شریفه: ﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾ (قصص: ۵) (ما در برابر او خواستیم بر آنان که در زمین ضعیف شمرده شدند منت نهاده ایشان را پیشوایان خلق کنیم و وارث دیگران قرار دهیم)؛ در تفسیر صافی از شیخ طوسی روایتی آمده که امیرالمومنین علیه السلام پس از قرائت این آیه درباره تعیین مصداق واژه «اسْتَضَعُّوا»، جهت روشن‌تر شدن مفهوم آیه، فرموده‌اند: مستضعفان همان آل محمد صلی الله علیه و آله هستند که خداوند، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنان را پس از تحمل مشقت‌ها خواهد فرستاد تا به آنان عزت بخشد و دشمنان‌شان را خوار و حقیر سازد. (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۸۴)

نظیر این آیه در تعیین مصداق، آیه شریفه: ﴿ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴾ (انبیاء: ۱۰۵) (در زبور از پی آن کتاب (تورات) چنین نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به میراث می‌برند)، است. امام باقر علیه السلام

درباره مصداق این آیه می‌فرمایند: مقصود از بندگان صالح خدا در این آیه، پیروان مهدی آخر الزمانند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۷۵/۳)

هم چنین در روایات بسیاری آمده است که وقتی آیه شریفه: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (احزاب: ۳۳) خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد) نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله علی، فاطمه، حسن، حسین علیه السلام را فراخواند و عبا بی بر روی آنان انداخت و فرمود: «خدایا اینان اهل بیت و خواص من هستند.» (همان: ۲۷۵/۶؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ۴۱۶/۲)

و یا در روایت آمده که وقتی آیه شریفه: ﴿وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾ (اسراء: ۲۶) (و حق نزدیکان را پرداز)، نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تعیین مصداق ﴿ذَا الْقُرْبَىٰ﴾ فرمودند: منظور از آن حضرت فاطمه سلام الله علیها است. (کلینی، ۱۴۱۳: ۵۴۳/۱)

نمونه دیگری از این موارد این است که علی بن ابراهیم در تفسیر خود از شهرین حوشب نقل می‌کند که حجاج بن یوسف از من پرسید: آیه‌ای از قرآن است که در فهم آن درمانده‌ام؛ گفتم: کدام آیه است؟ گفت: آیه: ﴿وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهٖ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾ (نساء: ۱۵۹) (و هیچ کس از اهل کتاب نیست جز آنکه پیش از مرگ به وی ایمان خواهد آورد)، حجاج گمان برده بود که مرجع ضمیر در «قَبْلَ مَوْتِهِ»، به اهل کتاب برمی‌گردد؛ اما وی تفسیر آن را از امام باقر علیه السلام، برای حجاج بدین گونه نقل می‌کند که: مقصود از آیه آن است که پیش از رستاخیز، عیسی بن مریم علیه السلام دوباره به دنیا باز خواهد گشت و از یهودیان و نصرانیان کسی نمی‌ماند، مگر آن که پیش از مرگ عیسی علیه السلام به او ایمان می‌آورد و پشت سر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نماز می‌ایستد. امام علیه السلام به گونه‌ای

این آیه شریفه را تفسیر کردند که ضمیر به حضرت عیسی علیه السلام برگشت دارد و با این تفسیر شبهه و ابهام برطرف گردید. (فخر رازی، بی تا، ۱۰۴/۱۱)

حتی از برخی روایات برمی آید که گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر آیات، به بیان لفظی اکتفا نمی کرده؛ بلکه مطالب آیات را برای افراد مجسم می کرده است. مثلاً از ابن مسعود نقل شده است که «رسول خدا صلی الله علیه و آله خطی را برای ما ترسیم کرد و فرمود: این راه خداست، پس در سمت راست و چپ آن خط، خط-های دیگری را کشید و فرمود: اینها راه‌های متفرقی هستند که بر هر یک از آنها شیطانی است که انسان را به سوی آن دعوت می کند، سپس آیه شریفه: ﴿وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ (انعام: ۱۵۳) (این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید...)، را قرائت کر.» (حاکم نیشابوری، بی تا: ۳۱۸/۲)

نتیجه

قرآن کریم در طول رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر ایشان نازل شد و با توجه به آن که بخش عمده‌ای از آیات نیازمند تفسیر بود، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پس از ایشان ائمه معصومین علیهم السلام در طول زندگی پر برکت خودشان، آیات قرآن را تفسیر و تبیین و در بعضی موارد به معنایابی واژگان غریب می پرداختند. بنابراین یکی از منابع مهم در معنایابی و تفسیر واژه‌های غریب قرآن کریم، احادیث و روایات معصومان علیهم السلام است. در این پژوهش این نتیجه حاصل شد که توجه به احادیث معصومین در معنایابی و تفسیر واژه‌های غریب قرآن تاثیر و نقش انکار ناپذیری دارد و این روایات و احادیث شریف، در معنایابی واژه-های قرآن از چنان اهمیتی برخوردار است که تفسیر آیه‌ای از قرآن بدون مراجعه به این روایات به تفسیری نادرست یا ناقص از قرآن منتهی می شود. احادیث شریف در

معنایابی و تفسیر واژه‌های قرآن نقش‌های مختلفی را می‌تواند ایفا کند. برخی از نقش‌های حدیث در این زمینه عبارت است از: عبور از معنای ظاهری لفظ، تعیین معنای مراد و مقصود از واژه غریب در قرآن، تعیین یکی از دو معنی واژه، ایجاد معانی جدید برای واژه و تعیین مصادیق برای واژه‌های قرآن.

منابع:

قرآن کریم.

۱. ابن العربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، حسین بن موسی، اکمال الدین و اتمام النبوة، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ش.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، حسین بن موسی، معانی الاخبار، قم: موسسه النشر الاسلامیه، نوبت اول، ۱۴۰۳ ق.
۴. ابن فارس، ابوالحسن احمد، ترتیب مقایس اللغه، تحقیق و ترتیب علی عسکری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، نوبت دوم، ۱۳۸۷ ش.
۵. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، نوبت اول، ۱۴۱۹ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، نوبت دوم، ۱۴۰۸ ق.
۷. اندلسی، ابو حیان، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
۸. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، نوبت دوم، ۱۴۱۵ ق.
۹. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، نوبت دوم، ۱۴۱۶ ق.

۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل واسباب التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، نوبت دوم، ۱۴۱۸ق.

۱۱. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار المعرفه، بی تا.

۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، نوبت دوم، ۱۴۱۴ق.

۱۳. رازی، فخرالدین، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، نوبت سوم، بی تا.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، دفتر نشر کتاب، نوبت اول، ۱۴۰۴ق.

۱۵. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۵م.

۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتاب العربی، نوبت سوم، ۱۴۰۷ق.

۱۷. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار ابن کثیر، نوبت اول، ۱۴۰۷ق.

۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، نوبت اول، ۱۴۱۷ق.

۱۹. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مصحح محمد باقر موسوی خراسانی، مشهد، نشر المرتضی، نوبت اول، ۱۳۰۴ش.

۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، نوبت دوم، ۱۴۱۵ق.

۲۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالکتب العلمیه، نوبت دوم، ۱۴۲۰ق.

۲۲. طوسی، خواجه نصیرالدین، اساس الاقتباس، تحقیق مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، نوبت اول، ۱۳۳۵ش.

۲۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، نوبت اول، بی تا.

۲۴. طوسی، محمدبن حسن، الرجال، نجف، المطبعة الحیدریه، نوبت اول، ۱۳۸۱ق.
۲۵. طوسی، محمدبن حسن، الغیبه، قم، دارالمعارف الاسلامیه، نوبت اول، ۱۴۱۱ق.
۲۶. طیب حسینی، سید محمود، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، نوبت دوم، ۱۳۹۲ش.
۲۷. عروسی حویزی، عبدالعلی، نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، نوبت چهارم، ۱۴۱۵ق.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، انتشارات هجرت، نوبت دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۹. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، نوبت ششم، ۱۳۷۱ش.
۳۰. قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، نوبت اول، ۱۳۶۴ش.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، نوبت چهارم، ۱۳۶۷ش.
۳۲. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، نوبت سوم، ۱۴۰۳ق.
۳۴. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.